

عنوان:

شناسایی و بررسی تاثیر راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی بر توانمندسازی
اجتماعی زنان روستایی و کشاورز منطقه لنجان اصفهان

نویسندگان:

فاطمه کریمی^۱، آصف کریمی*^۲ و محمد مختارنیا^۳

Email: karimi.asef@gmail.com

* نویسنده مسئول: آصف کریمی

۱، دانشجوی کارشناسی ارشد ۲، دانشجوی دکتری و ۳، استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران
آدرس: کرج- خیابان دانشکده- پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران- گروه ترویج و آموزش کشاورزی

چکیده

تداوم فقر و تبعیض جنسیتی علیه زنان به علت وجود موانع و محدودیت‌های گوناگون تاریخی و فرهنگی در سر راه پیشرفت و تحول وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان موجب طرح رویکردها و تدابیر مختلف از جمله توانمندسازی زنان در ادبیات توسعه و جنسیت شده است. لذا این تحقیق با هدف شناسایی و تاثیر راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی بر توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی و کشاورز منطقه لنجان اصفهان انجام گردید. جامعه آماری این تحقیق را زنان برنج کاران منطقه لنجان استان اصفهان $N=539$ تشکیل داده است؛ که تعداد نمونه های تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۸۷ نفر تخمین زده شد که برای بالابردن دقت اندازه گیری، محقق این تعداد را به ۱۰۰ نمونه افزایش داد و در پایان تعداد ۹۳ پرسشنامه از تعداد کل جمع آوری گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که اعتبار(روائی) آن با نظر چند تن از متخصصین و اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران مورد تایید قرار گرفت و برای تعیین قابلیت اعتماد(پایائی) تعداد ۳۰ عدد پرسشنامه پیش آزمون شد و آلفای کرونباخ آن محاسبه شد که برای بخش‌های مختلف پرسشنامه از مقدار مناسب برخوردار بود (۰/۷۵-۰/۹۵). داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین راهکارهای مناسب ترویج کشاورزی با توانمندسازی زنان روستایی و کشاورز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بمنظور شناسایی مهمترین راهکارهای خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی برای این زنان روستایی و کشاورز از تحلیل عاملی نوع R(اکتشافی) استفاده گردید. متغیرها در سه عامل، تقویت و استفاده از گروه‌ها و سازمان‌های زنان، بکارگیری فرایندها، رهیافت‌ها و روش‌های مشارکتی و برگزاری جلسات آموزشی و ترویج سیار قرار می‌گیرند که این سه عامل در حدود ۵۵ درصد واریانس راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی برای این زنان را برآورد می‌نمایند.

کلمات کلیدی: زنان روستایی و کشاورز، توانمندسازی، راهکارهای خدمات رسانی، ترویج کشاورزی

مقدمه

مطالعات اخیر صاحب‌نظران در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. از این رو در دهه ۱۹۸۰ به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح جنسیت و توسعه به کار گرفته شد و در پی آن، در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت زنان در توسعه اتخاذ گردید. یکی از این راهبردها توانمندسازی زنان با تاکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه مشارکت فعالانه داشته باشند (Namoro et al, 2008). لذا از سال ۱۹۹۰ زنان به عنوان عامل کلیدی توسعه پایدار مطرح شدند و برابری و توانمندسازی آنها به عنوان رهیافتی کل‌نگر در ایجاد انگاره و فرایند نوین توسعه پایدار مدنظر قرار گرفت به طوری که بانک جهانی بر لزوم قرار گرفتن برنامه‌های زنان به عنوان بعد اساسی برنامه‌های توسعه اجتماعی تاکید نمود (Handy et al, 2004). در ایران نیز قشر عظیمی از جامعه که جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر دارند را زنان روستایی تشکیل می‌دهند. این زنان نقش گسترده‌ای در انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری ایفا نموده و همچنین امور مربوط به خانه‌داری را انجام داده و در تولید حدود ۸۰ درصد از مواد غذایی در روستا مشارکت می‌کنند (میردسادات، ۱۳۸۶). بنابراین می‌توان گفت که زنان روستایی در تحول جامعه انسانی کشور عاملی بنیادی محسوب می‌شوند. از این رو زنان روستایی به عنوان رکن اصلی بخش کشاورزی مطرح بوده و ساختار اجتماعی و اقتصادی خانوار بدون حضور فعال آنان نمی‌تواند پایداری داشته باشد. لذا نقش آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی واقعیتی انکارناپذیر است و این امر تاکیدی است براینکه زنان باید به عنوان یک گروه شاخص در طرح‌های توسعه مشارکت داشته باشند (مافی، ۱۳۸۳). جهت رفع این مشکلات و به منظور دستیابی به اهداف مختلف و مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی همانطوریکه نامورو (۲۰۰۸) نیز بیان داشته است یکی از راهکارهای مورد استفاده، بهره‌گیری از راهبرد توانمندسازی زنان می‌باشد.

از توانمندسازی تعاریف متعددی ارائه شده است. محققان زیادی از جمله آلسوپ (۲۰۰۵) و کارنی (۲۰۰۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندسازی بر توانایی، قدرت و قابل احترام بودن افراد جامعه تاکید خاصی دارد. همچنین توانمندسازی زنان را به عنوان فرایندی تعریف می‌کنند که بویسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب

مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد؛ دفاع می‌کنند (Malhotra, 2005). اگبومه نیز توانمندسازی زنان را به عنوان دستیابی بیشتر آنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آنها می‌شود. این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌گردد به این معنا که موجب تصویری می‌شود که زنان خودشان را می‌بینند (Ugbomeh, 2001). گوپتا معتقد است که هسته و تاکید اصلی توانمندسازی زنان به توانایی زنان برای کنترل سرنوشت خودشان تاکید دارد (Gupta et al, 2006). فارستی و همکارانش تاکید می‌کنند که در فرایند توانمندسازی زنان بایستی بر افراد به عنوان عاملی برای تغییر بنگریم نه اینکه از آنها به عنوان افرادی که دریافت کننده منفعل و سودبرندگان این تغییر هستند یاد کنیم (Foresti et al, 2007). البته تمام تعاریف توانمندسازی زنان گستره‌ای از آزادی و حق انتخاب زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و سهم داشتن در شکل‌دهی به پیامدهای زندگی را دربرمی‌گیرد و شامل می‌شود (Malhotra, et al, 2005). پس اگر به ادبیات مربوط به توانمندسازی دقت شود می‌بینیم که برای تعریف این مفهوم به گستره‌ای وسیعی از مفاهیمی نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر و غیره اشاره شده است

پاروین و همکاران وی در مطالعه‌ای در بنگلادش ابعاد توانمندسازی زنان را در شامل توانمند شدن آنان در سه بعد می‌دانند. که عبارتند از: ۱- ابعاد اجتماعی توانمندسازی زنان ۲- بعد خانوادگی توانمندسازی زنان ۳- بعد روانی توانمندسازی زنان: (Parveen et al, 2004). همچنین لوترل معتقد است که توانمندسازی نه تنها مدعی و خواستار احیای حق و حقوق زنان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است بلکه خواستار و مدعی احیای حقوق آنان در زمینه‌های دسترسی به خدمات عمومی مناسب، سیاست‌های اولویت‌دهی به زنان و فرایندهایی که متضمن مشارکت واضح و فعال زنان و طرح دیدگاه‌های آنان است، می‌باشد (Luttrell et al, 2007). در تحقیق حاضر بیشتر بعد اجتماعی توانمندسازی زنان مدنظر محقق بوده و سعی می‌شود که بیشتر بر این بعد از توانمندسازی زنان روستایی تمرکز گردد. از نظر لوترل و همکاران جنبه‌های مختلف توانمندسازی اجتماعی عبارتند از تغییر نگرش به زنان، مشارکت در امور اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی (Luttrell et al, 2007).

از سویی دیگر بایستی توجه داشته باشیم که اغلب زنان روستایی به منظور توانمندسازی خودشان، خواستار مساعدت و بهره‌مندی وسیعی از توانایی‌ها، تکنولوژی و دانش علمی مدرن می‌باشند. از طرفی دیگر در بیشتر کشورهای در حال توسعه، برنامه‌ها و سیاست‌های کشاورزی و همچنین ترویج، اغلب به نیازهای توانمندسازی

زنان بی‌توجه بوده و این برنامه‌ها بیشتر در ارتباط با کشاورزان می‌باشد. از طرفی طی دهه‌های گذشته، فعالیت‌های زنان در زمینه کشاورزی افزایش قابل توجهی داشته است. در حال حاضر بیشتر کشورهای در حال توسعه، به منظور توانمندسازی زنان، برنامه‌های ترویج و آموزش زنان را در زمینه تکنولوژی‌های جدید شروع کرده‌اند (Santra et al, 2001) و به منظور غلبه بر مشکلات آنها و برای اینکه زنان روستایی فعالیت‌هایشان را با یک انتظار منطقی از کسب موفقیت، انجام دهند لازم است به خدمات و تسهیلات بهینه‌ای از قبیل اعتبار، ابزار و لوازم موردنیاز، خدمات اطلاعاتی، تخصص و مهارت، مشاوره، بیمه و بازار دسترسی مناسبی داشته باشند (باتملی، ۱۳۸۲). و از جهت مراکز ارائه خدمات کشاورزی مانند ترویج کشاورزی به عنوان ابزاری برای توسعه کشاورزی هستند و تامین خدمات مناسب در بهترین حالت شرط لازم برای توسعه و توانمند شدن زنان کشاورز می‌باشد. بنابراین به منظور ساماندهی خدمات موردنیاز کشاورزان زن و تسهیل فعالیت‌های مولد آنان باید نگرش‌ها به سمت توسعه و نقشی که نهادهای دولتی و خصوصی ارائه‌دهنده خدمت می‌توانند ایفا کنند سوق داده شود تا کشاورزان زن با مراجعه به این نهادها و کارگزاران تسهیلات و امکانات متناسب با نیازها و شرایطش را با هزینه منصفانه‌ای دریافت نمایند (میسرا، ۱۳۷۱).

سنتر (۲۰۰۱) معتقد است ترویج کشاورزی به منظور توانمندسازی زنان روستایی و کشاورز بایستی از روش‌ها و راهکارهای مناسبی برای خدمات رسانی آنها استفاده نماید.

منظور از راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی، مجموعه روش‌ها و تکنیک‌هایی است که ترویج کشاورزی جهت ارائه خدمات در عرصه‌های مختلفی همچون اطلاع‌رسانی، مشاوره، تهیه نهاده‌ها، زیرساخت‌ها، بازاریابی و سایر خدمات بکار می‌گیرد (Shivalinge et al, 2001).

راهکارهای مناسب خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی به زنان روستایی به منظور توانمندسازی آنان عبارتند از:

- ✓ دوره‌های سیار آموزش زنان روستایی به جای مراکز آموزش کشاورزان
- ✓ استفاده و بکارگیری دختران آموزش‌دیده به عنوان کارکنان و مروجان ترویجی زن
- ✓ آموزش زنان از طریق مشارکت همراه و همزمان همسران و شوهرانشان
- ✓ سیاحت و بازدید از موارد مختلفی که بوسیله گروه‌ها یا سازمان‌های زنان سازماندهی شده است
- ✓ تاسیس سازمان‌های ترویجی برای زنان روستایی مانند کشورهای مثل پاکستان، سریلانکا و بنگلادش
- ✓ تشویق عواملان ترویج برای کار با گروه‌های زنان
- ✓ استفاده از کارکنان ترویجی زن و یا آموزش زنان در محیط کار همسرانشان
- ✓ تشویق و حمایت از گروه‌ها و سازمان‌های موجود زنان برای تقبل مسئولیت‌های مخابره و انتقال تکنولوژی‌ها و علوم جدید به زنان روستایی (Santra et al, 2001).

بیشتر برنامه‌های ترویج کشاورزی بر مبنای هدف است تا بر مبنای نیازها. به عبارتی دیگر بیشتر برنامه‌های ترویج کشاورزی هدف محور است تا نیازمحور که بدون تجزیه و تحلیل موقعیت و نیازسنجی زنان کشاورز تنظیم می‌شود و شکل می‌گیرد. زنان کشاورز از آنجایی که در زمینه‌های مختلف از قبیل سطوح آموزشی نوآوری، توانایی‌های ذهنی، انعطاف‌پذیری، تصمیم‌گیری و غیره نسبت به مردان متفاوتند بایستی تحت تاثیر روش‌ها و راهکارهای مختلف خدمات رسانی ترویج کشاورزی قرار بگیرند و ضرورت دارد که ترویج از مدل‌ها و رهیافتهای گوناگونی به منظور خدمات رسانی به زنان استفاده نماید (Rivera et al,2000).

با این فرض به منظور گسترش برنامه‌هایی به منظور خدمات‌رسانی به زنان کشاورز، نیازمند استفاده از استراتژی‌ها و راهکارهای خاصی از ترویج کشاورزی خواهیم بود که زنان را در زمینه‌های مختلف توانمند سازند. بعضی از این استراتژی‌ها و راهکارها عبارتند از:

- ✓ از زنان کشاورز بایستی به عنوان ارباب رجوع مستقیم و مستقل ترویج کشاورزی یاد شود
- ✓ استفاده از رهیافت مشارکتی در تمام مراحل پروژه‌های توسعه‌ای زنان (از مرحله نیازسنجی گرفته تا اجرا، نظارت و ارزشیابی)
- ✓ استفاده بیشتر، مفید و خلاقانه از رهیافت آموزش و دیدار
- ✓ به منظور فراهم نمودن پایه و اساسی به منظور دسترسی به خدمات و تسهیلات بایستی زنان کشاورز درون گروه‌های خودمختار سازمان‌دهی گردند.
- ✓ با دیدی برابرانه و متساوی در مراکز دولتی نوآوری کشاورزی آینده، بایستی مرکز اطلاعاتی پیشرفته‌ای برای زنان در سطح روستا تاسیس نمود
- ✓ به منظور توسعه و منتشر کردن تکنولوژی‌های مناسب برای کشاورزان زن به ارتباط و هماهنگی قوی و نیرومندی میان سازمان‌های مختلف ترویج و تحقیق کشاورزی، که درگیر فرایند انتقال تکنولوژی هستند، می‌باشد
- ✓ پرسنل ترویج کشاورزی بایستی اقدام به نیروگیری و گماردن کارمندان و نیروهای جدید در سطوح سلسله مراتبی مختلف کند (Luttrell et al,2007).

کشورهای مختلف راهکارهای مختلفی را به منظور بهبود خدمات رسانی ترویج کشاورزی به خدمت گرفته‌اند. مثلا از جمله راهکارهایی که کشورهایمانند آلمان، هلند، فرانسه و انگلستان برای پوشش دادن نواقص و نقاط ضعف ترویج جهت خدمات رسانی بهینه به کشاورزان و توانمندسازی آنان به خدمت گرفته‌اند و به توفیقات مهمی نیز در این راستا دست پیدا کرده‌اند تمرکززدایی و خصوصی سازی خدمات ترویج کشاورزی می‌باشد (Hanchinal et al,2001; Saravanan,2001). علاوه بر موارد ذکر شده در بالا پژوهشگران مختلف دیگر راهکارهای مختلف زیادی را برای خدمات‌رسانی بهینه ترویج کشاورزی پیشنهاد می‌کنند. رپورا به

منظور خدمات‌رسانی بهتر به کشاورزان راهکار خدمات‌رسانی مبتنی بر مخاطبان را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید که سازمان‌های خصوصی داوطلب و سازمان‌های غیردولتی برای ارائه خدمات به گروه‌های هدف معین ایجاد و اداره شوند (Rivera et al, 2000). برنامه توسعه سازمان ملل بهترین راهکارهای خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی برای گروه‌های هدف را بکارگیری راهکارهایی مانند نظام عرضه نهاده‌ها، ترویج مبتنی بر کالا، مشاوران خصوصی و دادن یارانه به کشاورزان مناسب می‌داند (محمودی کرمجوان)

از جمله مطالعاتی که به صورت توصیفی پیرامون راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی به روستاییان صورت گرفته است می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد:

در تحقیقی تحت عنوان تمرکززدایی و توسعه کشاورزی مفهوم خدمات کشاورزی شامل محدوده وسیعی از زیرساخت‌های موردنیاز برای تولید (تسهیلات آبیاری، جاده‌های روستایی)، خدمات اجتماعی (آموزش عمومی، آموزش روش‌ها، ارائه تسهیلات بهداشتی و...) و خدمات مربوط به توسعه سازمان‌های کشاورزان می‌باشد (Lai et al, 2005).

آلبرت (۲۰۰۶) در تحقیق خود با عنوان سیستم‌های خدمات‌رسانی کشاورزی معتقد است که یک سیستم خدمات‌رسانی کارا و توانمندساز می‌تواند شامل مواردی از قبیل دسترسی بهینه روستاییان و زنان کشاورز به نهاده‌ها، خدمات مشاوره‌ای موسسات خدمات خصوصی و عمومی، خدمات ترویج خصوصی مؤسسات دولتی و طراحی سازمان‌های توسعه‌یافته جهت بهبود خدمات در یک منطقه ویژه باشد.

کوتر (۱۳۷۸) نیز معتقد است که توسعه همه‌جانبه جهت اجرا در سطح نواحی روستایی به پیش‌شرط‌هایی نیازمند است که یکی از این پیش‌شرط‌ها تاسیس و دایرکردن یک نظام خدمات‌رسانی مؤثر و قوی برای توانمندسازی روستاییان می‌باشد.

آنچه مسلم است این است که ارائه خدمات کشاورزی و خانه‌داری به زنان روستایی و کشاورز به منظور توانمندسازی آنان در زمینه‌های مختلف، کاری پرهزینه و مشکل است با این حال بایستی تلاش شود تا جایی که امکان دارد با برنامه‌ریزی مناسب و طراحی شبکه‌ای از مراکز خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی امکان دسترسی زنان روستایی و کشاورز به خدمات نوین و مناسب را به منظور توانمندساختن این افراد هموار ساخت. پس مساله اساسی تحقیق حاضر این است که راهکارهای بهینه‌ای که می‌تواند ترویج کشاورزی را در خدمات‌رسانی مناسب به زنان روستایی و کشاورز کمک کند و آنها را در زمینه‌های خانه‌داری و کشاورزی توانمند سازد ناشناخته هستند. با توجه به مساله تحقیق پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که راهکارهای بهینه و مناسب خدمات‌رسانی

ترویج کشاورزی به منظور توانمندسازی زنان روستایی و کشاورزی کدامند و این راهکارها چه تاثیری بر روی توانمندسازی زنان روستایی و کشاورز دارد؟

باتوجه به سؤال تحقیق اهداف تحقیق موردنظر عبارتند از:

۱- شناسایی و الویت‌بندی راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی برای زنان روستایی و کشاورز

۲-سنجش توانمندی اجتماعی زنان روستایی

۳- بررسی رابطه میان راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی ترویج و توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی

۴- شناسایی راهکارهای مناسب و بهینه خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی برای توانمندسازی زنان روستایی

مواد و روش ها

روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی و از نوع توصیفی_ همبستگی می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را زنان روستایی و کشاورز منطقه برنجکاری لنجان استان اصفهان تشکیل می‌دهند. در تحقیق حاضر، بعلت عدم امکان استفاده از نظرات تمامی جامعه آماری موردنظر، فقط روستاهای حاشیه رودخانه زاینده رود منطقه لنجان اصفهان که از قطب‌های اصلی تولید برنج در این منطقه می باشند به عنوان منطقه مورد پژوهش انتخاب شدند و زنان برنج کاران این روستاها با جمعیت $N=539$ به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شدند. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران کمک گرفته شد که نهایتاً تعداد نمونه آماری این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۸۷ نفر تخمین زده شد که برای بالا بردن دقت ابزار اندازه‌گیری، محقق این تعداد را به ۱۰۰ نمونه افزایش داد که به صورت تصادفی در بین جامعه آماری توزیع شد و در پایان تعداد ۹۳ پرسشنامه از تعداد کل جمع آوری گردید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش برای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات، پرسشنامه بوده است. جهت سنجش میزان اعتبار پرسشنامه پس از تهیه پرسشنامه، از نظرات و پیشنهادات چند تن از متخصصان و صاحب‌نظران فن (روایی صوری^۴) استفاده گردید. جهت آزمون پایایی ابزار، تعداد ۳۰ پرسشنامه به طور تصادفی بین ۳۰ نفر در خارج از جامعه آماری توزیع شد پس از جمع آوری پرسشنامه‌های مذکور، داده‌ها وارد کامپیوتر شد و با استفاده از نرم افزار SPSSwin11.5 و روش کرونیباخ آلفا، اعتبار بخش توانمندسازی زنان ($\alpha=0/75$)، و بخش راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی ($\alpha=0/95$) پرسشنامه بدست آمد که نتیجتاً برای تحقیق حاضر ضرایب بسیار مناسبی بودند. برای تعیین توانمندسازی زنان روستایی تعدادی سوال در یک مقیاس ۵ قسمتی لیکرت در دامنه ۱ تا ۵ ارائه گردید که با حاصل جمع پاسخ‌های داده شده به هر سوال، نمره این متغیر در مقیاس شبه فاصله ای بدست آمد. برای ارزیابی راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی با مرور منابع و همچنین بر اساس نظرات کارشناسان و متخصصان ترویج در رابطه با مهمترین راهکارهای خدمات‌رسانی ۳۲ گویه در یک مجموعه منظم گردآوری شد و مخاطبان میزان مناسبت و بهینه بودن راهکارها را در قالب تعدادی سوال در یک مقیاس ۰ تا ۱۰ ابراز داشتند، سپس با حاصل جمع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها، نمره هر فرد در مقیاس شبه فاصله ای بدست

^۴ Face Validity

آمد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از تحقیق از آماره‌های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات و آماره‌های استنباطی مانند تحلیل همبستگی و تحلیل عاملی استفاده گردید.

نتایج و بحث

خلاصه وضعیت توزیع فراوانی زنان مورد مطالعه تحقیق بر حسب ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای در جدول (۱) آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود که ۷۴ نفر (۷۹/۶درصد) از زنان مورد مطالعه این تحقیق متاهل بوده و ۱۹ نفر (۲۰/۴ درصد) مجرد می‌باشند. میانگین سن زنان مورد مطالعه در حدود ۳۶ سال می‌باشد که میان سال بودن سن زنان مورد مطالعه را نشان می‌دهد. از نظر میزان تحصیلات بیشترین فراوانی مربوط به زنانی می‌باشد که دارای تحصیلات راهنمایی می‌باشند که حدود ۵۱/۶ درصد جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. ۴/۳ درصد زنان مورد مطالعه بی‌سواد، ۲۲/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۸/۳ درصد دارای تحصیلات دبیرستان و تنها ۳/۲ درصد زنان مورد مطالعه دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند. میانگین تعداد فرزندان زنان مورد مطالعه در حدود ۳ نفر می‌باشد. انحراف معیار مربوط به این متغیر (۲/۲۸) نیز پراکنش جامعه آماری از لحاظ این متغیر را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده در جدول (۱) مشاهده می‌شود که میانگین درآمد متوسط ماهیانه خانوار زنان مورد مطالعه در حدود ۲۴۵ هزار تومان در ماه می‌باشد.

جدول ۱: توزیع فراوانی زنان روستایی بر حسب متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی

متغیر	فراوانی	درصد	سایر مشخصه های آماری
وضعیت تاهل	مجرد	۲۰/۴	
	متاهل	۷۹/۶	نما: متاهل
	جمع	۹۳	۱۰۰
میزان تحصیلات	بی سواد	۴/۳	
	ابتدایی	۲۲/۶	
	راهنمایی	۵۱/۶	نما: تحصیلات راهنمایی
	دبیرستان	۱۸/۳	
	دانشگاه	۳/۲	
جمع	۹۳	۱۰۰	
سن			میانگین: ۳۶/۱۲ انحراف معیار: ۸/۱۰۶ میانه: ۳۷ حداقل: ۱۸ حداکثر: ۵۲
تعداد فرزندان			میانگین: ۲/۷۵ انحراف معیار: ۲/۲۸ میانه: ۲ حداقل: ۰ حداکثر: ۱۰
درآمد متوسط خانوار			میانگین: ۲۴۵/۱۷

انحراف معیار: ۱۱۵/۰۸ میانہ: ۲۲۰ حداقل: ۱۰۰۰۰۰ حداکثر: ۶۲۰۰۰۰

نتایج بدست آمده از تحقیق در رابطه با مهمترین راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی در جدول (۲) نشان داده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، مهمترین راهکار خدمات رسانی ترویج کشاورزی، یاد کردن از زنان کشاورز به عنوان ارباب رجوع مستقیم و مستقل ترویج کشاورزی است و گویه های استفاه از رهیافت مشارکتی در تمام مراحل پروژه های توسعه ای زنان (از مرحله نیازسنجی گرفته تا اجرا، نظارت و ارزشیابی) و سازمان دهی زنان کشاورز درون گروه های خودمختار به منظور فراهم نمودن اساسی برای دسترسی به خدمات و تسهیلات به ترتیب در اولویتهای بعدی از نظر راهکارهای بهینه خدمات رسانی قرار دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی گویه های مربوط به راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی

تغییرات ضربی	انحراف معیار	وزن	راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی
۰/۳۲	۲/۴۰	۷/۳۷	یاد کردن از زنان کشاورز به عنوان ارباب رجوع مستقیم و مستقل ترویج کشاورزی
۰/۳۷	۲/۳۹	۶/۴۶	استفاه از رهیافت مشارکتی در تمام مراحل پروژه های توسعه ای زنان (از مرحله نیازسنجی گرفته تا اجرا، نظارت و ارزشیابی)
۰/۳۸۸	۲/۷۹	۷/۱۶	سازمان دهی زنان کشاورز درون گروه های خودمختار به منظور فراهم نمودن اساسی برای دسترسی به خدمات و تسهیلات
۰/۳۹	۲/۴۶	۶/۳۱	تاسیس مراکز اطلاعاتی پیشرفته ای برای زنان در سطح روستا با دیدی برابانه و متساوی نسبت به مردان
۰/۳۹	۲/۷۱	۶/۸۸	ارتباط و هماهنگی تنگاتنگ و قوی میان سازمان های مختلف ترویج و تحقیق، به منظور توسعه وانتشار تکنولوژی ها برای کشاورزان زن
۰/۴۰	۲/۸۳	۶/۹۷	مشورت و گفتگو با زنان روستایی قبل از ارائه خدمات و تکنولوژی های مورد نیاز آنان
۰/۴۰	۲/۴۸	۶/۰۹	ارزیابی خدمات ارائه شده به زنان کشاورز جهت ارائه موثرتر خدمات به آنان در آینده
۰/۴۰	۲/۶۳	۶/۵۴	استفاده از کارکنان محلی و رهبران کشاورزان در اجرای خدمات رسانی به زنان کشاورز
۰/۴۱	۲/۵۴	۶/۱۹	اتخاذ تدابیری توسط عاملان ترویج به منظور کاهش هزینه هایی دسترسی زنان به خدمات
۰/۴۱	۲/۷۸	۶/۶۲	دوره های سیار آموزش زنان روستایی به جای مراکز آموزش کشاورزان
۰/۴۲	۲/۹۵	۶/۹۳	مشخص کردن نیازها و خدمات مورد نیاز برای زنان هر روستا به صورت جداگانه
			تشویق زنان کشاورز به برقراری بیشتر ارتباط با مراکز خدمات کشاورزی جهت دستیابی به اطلاعات مورد نیاز
۰/۴۲	۲/۶۲	۶/۱۵	آموزش مروجان بر اساس تشخیص دامنه نیازهای آموزشی زنان هر روستا
۰/۴۲	۲/۶۷	۶/۲۳	استفاده و بکارگیری دختران آموزش دیده به عنوان کارکنان و مروجان ترویجی زن
۰/۴۳	۲/۶۰	۵/۹۵	اطلاع رسانی و ارائه خدمات آموزشی به کارکنان ترویج در زمینه آشنایی با شیوه های صحیح خدمات رسانی به زنان روستایی
۰/۴۳	۲/۵۹	۶	ایجاد کلاسهای آموزشی برای زنان کشاورز پیشرو برای ارائه خدمات مشاوره ای به سایر زنان
۰/۴۳	۲/۴۱	۵/۵۱	تشویق عاملان ترویج برای کار با گروه های زنان
۰/۴۴	۲/۴۷	۵/۵۹	آزادی عمل زنان روستایی در انتخاب همگروه های خود در تشکیل گروه های زنان
۰/۴۵	۲/۸۸۶	۶/۲۴	تشویق و حمایت از گروه ها و سازمان های موجود زنان برای تقبل مسؤلیت مخابره و انتقال تکنولوژی ها و علوم جدید به زنان روستایی
۰/۴۶	۲/۶۸	۵/۷۶	ترغیب زنان روستایی به تشکیل گروه ها و سازمان های کشاورزان برای دریافت و ارائه خدمات کشاورزی
۰/۴۶	۲/۹۶	۶/۳۴	واگذاری منابع، اختیارات و مسؤلیت به خود زنان در زمینه دریافت و ارائه خدمات با نظارت عاملان ترویج

۰/۴۶	۲/۷۱	۵/۹۰	استفاده از کارکنان ترویجی زن و یا آموزش زنان در محیط کار همسرانشان
۰/۴۷	۳/۲۳	۶/۸۴	مشورت و گفتگو با زنان قبل از ارائه خدمات و تکنولوژی‌های مورد نیاز کشاورزان
۰/۴۸	۳/۱۱	۶/۴۷	تجهیز مدیران و کارکنان ترویج کشاورزی به دانش فنی و مهارت‌های مورد نیاز در زمینه ارائه خدمات کشاورزی به زنان روستایی
۰/۴۸	۲/۸۱	۵/۸۲	آموزش زنان از طریق مشارکت همراه و همزمان همسران و شوهرانشان
۰/۴۹	۳	۶/۰۹	سیاحت و بازدید از موارد مختلفی که بوسیله گروه‌ها یا سازمان‌های زنان سازماندهی شده است
۰/۴۹	۲/۷۰	۵/۴۴	تاسیس سازمان‌های ترویجی برای زنان روستایی مانند کشورهای مثل پاکستان، سریلانکا و بنگلادش
۰/۴۹	۲/۹۷	۵/۹۵	افزایش نقش دولت در زمینه حمایت از ترویج کشاورزی به منظور ارائه خدمات به زنان روستایی
۰/۴۹	۲/۷۴	۵/۵۱	تشکیل کلاس‌هایی به منظور آشنا ساختن زنان هر روستا به منظور آشنایی با کشاورزی پایدار
۰/۴۹	۲/۸۴	۵/۷۴	خدمات‌رسانی از طریق دادن یارانه به زنان روستایی
۰/۵۰	۲/۵۵	۵/۰۵	خدمات‌رسانی به زنان روستایی از طریق مشاوران خصوصی
۰/۵۰	۲/۹۵	۵/۸۸	خدمات‌رسانی بر اساس سیستم مبتنی بر کارمزد

نتایج بدست آمده از تحقیق در رابطه با توانمندی اجتماعی زنان روستایی در جدول (۳) نشان داده شده است . با توجه به نتایج بدست آمده ، از نظر زنان مورد مطالعه مهمترین عاملی که باعث توانمندی اجتماعی زنان روستایی می‌گردد این است که زنان بایستی نسبت به حقوق خود در جامعه آگاه شوند و گویه‌های من اعتقاد دارم که زنان بایستی در امور جامعه مشارکت داشته باشند و زنان دارای توانایی و اراده برای تاثیرگذاری بر اعضای خانواده خود هستند به ترتیب در اولویت‌های بعدی از نظر عوامل توانمندساز اجتماعی زنان قرار دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سه گویه زنان توانایی تاثیرگذاری بر جامعه را دارند، من حضور در مکان‌ها و مجامع شلوغ را ترجیح می‌دهم و بایستی بپذیریم که زنان دارای استعداد‌های فراوانی هستند به ترتیب دارای اهمیت کمتری در توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی و کشاورز می‌باشند.

جدول ۳: توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به توانمندی اجتماعی زنان روستایی

ضریب تغییرات	تخلاف معیار	میانگین	توانمندی اجتماعی زنان روستایی و کشاورز
۰/۱۵	۰/۶۷	۴/۳۸	زنان بایستی نسبت به حقوق خود در جامعه آگاه شوند
۰/۱۵	۰/۷۱	۴/۴۸	زنان دارای توانایی و اراده برای تاثیرگذاری بر اعضای خانواده خود هستند
۰/۱۷	۰/۷۶	۴/۳۵	من اعتقاد دارم که زنان بایستی در امور جامعه مشارکت داشته باشند
۰/۱۸	۰/۷۵	۴/۰۲	با بودن در جمع توانایی افراد چندین برابر می‌گردد
۰/۱۹	۰/۸۱	۴/۲۹	مشارکت زنان در امور خانواده باعث بهبود وضعیت خانوار می‌گردد
۰/۱۹	۰/۸۰	۴/۰۸	به نظر من یکی از ضروریات پیشرفت جوامع حضور و دخالت زنان در امور اجتماعی است
۰/۲۰	۰/۸۲	۳/۹۷	بایستی در رابطه با عدم توانایی زنان برای مشارکت در امور اجتماعی تجدید نظر کرد
۰/۲۰	۰/۸۸	۴/۲۶	به نظر بنده مشارکت زنان در جامعه باعث پیشرفت جامعه می‌گردد
۰/۲۱	۰/۸۸	۴/۰۶	زنان باید در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خانوار دخالت کنند
۰/۲۱	۰/۸۵	۳/۹۵	من به عنوان عضوی از خانواده تا حد زیادی در مسائل خانوادگی دخالت می‌کنم
۰/۲۲	۰/۹۱	۴/۰۳	با تشکیل تیم‌ها و گروه‌ها می‌توان وظایف و کارها را بهتر انجام داد
۰/۲۲	۰/۹۱	۴/۰۷	من ترجیح می‌دهم که نظرات و تفکرات خودم را با دیگران در میان بگذارم
۰/۲۶	۰/۹۵	۳/۶۷	زنان توانایی تاثیرگذاری بر جامعه را دارند
۰/۲۷	۰/۹۸	۳/۶۳	بایستی بپذیریم که زنان دارای استعداد‌های فراوانی هستند

به منظور بررسی رابطه بین توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی با متغیرهای مورد مطالعه از ضریب همبستگی استفاده شده است. نتایج همبستگی (جدول ۴) نشان می دهد که میان توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی با راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی برای زنان در سطح ۰/۰۱ درصد و با درآمد متوسط خانوار در سطح ۰/۰۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، به عبارت دیگر زنانی که از راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی بهره‌مندند و درآمد خانوار آنها بیشتر است از توانمندی اجتماعی بالایی برخوردارند

جدول ۴: رابطه بین توانمندی اجتماعی زنان روستایی و کشاورز با سایر متغیرهای مورد مطالعه (ضریب همبستگی پیرسون)

متغیر مستقل	مقیاس	ضریب همبستگی
سن	فاصله ای	۰/۰۸۳
راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج	فاصله ای	*۰/۲۸۷
تعداد فرزندان خانوار	فاصله ای	۰/۱۴۹
درآمد متوسط خانوار	فاصله ای	*۰/۲۳۵

*معنی داری در سطح ۰/۰۱

*معنی داری در سطح ۰/۰۵ درصد

به منظور شناسایی و تعیین راهکارهای مناسب و بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی به زنان روستایی و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از گویه‌ها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده از تحلیل عاملی استفاده شد. مقدار **KMO** (۰/۷۲۴) و مقدار بارتلت آن (۴۱۴۶/۰۰۸) در سطح معنی‌داری ۹۹٪ قرار دارند که حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی می‌باشد. به منظور دسته بندی عامل‌ها، از معیار مقدار ویژه استفاده گردید و عامل‌هایی مدنظر بوده است که مقدار ویژه آنها از یک بزرگتر بود. عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آنها به شرح جدول (۵) می‌باشند.

جدول (۵): عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آنها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
اول	۷/۴۰۷	۲۱/۱۶۶	۲۱/۱۶۶
دوم	۷/۳۲۰	۲۰/۹۱۱	۴۲/۰۷۷
سوم	۴/۵۷۰	۱۳/۰۵۶	۵۵/۱۳۲

براساس یافته‌های حاصل از جدول (۵) عامل اول با مقدار ویژه ۷/۴۰۷ به تنهایی تبیین‌کننده بیش از ۲۱ درصد واریانس کل می‌باشد. بطور کلی، سه عامل فوق در مجموع حدود ۵۵٪ کل واریانس را تبیین می‌نمایند که نشان از درصد بالای واریانس تبیین شده توسط این عامل‌ها می‌باشد. اما وضعیت قرارگیری متغیرها (حدود ۴۵

متغیر اصلی) در عامل‌ها با فرض واقع شدن متغیرهای با بارعاملی بزرگتر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها به شرح جدول (۶) می‌باشد. البته باید به این نکته اشاره نمود که پس از چرخش (وریماکس) شش متغیر بعلت پایین بودن بارعاملی (کمتر از ۰/۵) و در نتیجه معنی‌دار نبودن همبستگی آنها با دیگر متغیرها، از تحلیل حذف گردیدند. علت حذف این متغیرها از تحلیل این بود که سطح مشترک این متغیرها قبلاً "توسط متغیرهای مهم‌تری پوشانده شده است؛ بنابراین می‌توان متغیرها مذکور را در متغیرهای دیگری خلاصه نمود. با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده عامل‌ها، عامل اول تقویت و استفاده از گروه‌ها و سازمان‌های زنان، عامل دوم به نام عامل بکارگیری فرایندها، رهیافت‌ها و روش‌های مشارکتی و عامل سوم به نام برگزاری جلسات آموزشی و ترویج سیار نامگذاری شدند.

جدول (۶): عامل‌های اخراج شده برای راهکارهای مناسب خدمات رسانی ترویج و میزان واریانس تبیین شده از ماتریس دوران یافته

نام عامل	میزان واریانس تبیین شده
تقویت و استفاده از گروه‌ها و سازمان‌های زنان	۱۳/۰۵۶
بکارگیری فرایندها، رهیافت‌ها و روش‌های مشارکتی	۲۰/۹۱۱
برگزاری جلسات آموزشی و ترویجی سیار برای زنان	۲۱/۱۶۶

نتیجه گیری و پیشنهادها

این تحقیق با هدف بررسی و الویت‌بندی راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی برای توانمندسازی زنان روستایی انجام گرفت نشان داد و راهکارهای مناسب از دیدگاه زنان روستایی شناسایی و الویت‌بندی شدند. آنچه مسلم است این است که ارائه کلیه خدمات به زنان روستایی از جانب ترویج کشاورزی کاری پرهزینه و مشکل است با این حال بایستی در ترویج کشاورزی تلاش گردد تا جایی که امکان دارد با برنامه‌ریزی مناسب و طراحی شبکه بهینه خدمات‌رسانی امکان دسترسی زنان روستایی و کشاورز به خدمات موردنیازشان را هموار ساخت.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۷۹/۶ درصد از پاسخگویان متاهل می‌باشند از نظر میزان تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به زنانی می‌باشد که دارای تحصیلات راهنمایی می‌باشند که بیانگر سطح آگاهی و دانش تقریباً پایین این زنان روستایی می‌باشد. طبق یافته‌های حاصل از الویت‌بندی راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی ترویج کشاورزی، یاد کردن از زنان کشاورز به عنوان ارباب رجوع مستقیم و مستقل ترویج کشاورزی و استفاده از رهیافت مشارکتی در تمام مراحل پروژه‌های توسعه‌ای زنان دو الویت اول را در بین تمامی راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی برای توانمندسازی زنان به خود اختصاص می‌دهد پس پیشنهاد می‌گردد که سازمان ترویج کشاورزی اولاً بایستی دقت داشته باشد که از زنان روستایی به عنوان یک قشر و گروه مستقل ارباب‌رجوعان خود یاد کند و روش‌ها و راهکارهایی را بکار ببرد که مختص زنان است و از روش‌های معمولی که برای سایر گروه‌ها و ارباب‌رجوع‌های خود بکار می‌گیرد متفاوت و مجزا باشد و ثانیاً شکل‌گیری و توسعه سازمان‌های زنان را در بین آنها

تسهیل نماید. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج کشاورزی برای زنان و توانمندی زنان روستایی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد پس می‌توان نتیجه گرفت که راهکارهای بهینه خدمات رسانی ترویج نقش بسزائی را در توانمندسازی زنان روستایی و کشاورز دارد، لذا پیشنهاد می‌شود که سازمان ترویج کشاورزی با ارائه راهکارهای نوین و بهینه باعث بهبود توانایی و توانمندسازی زنان روستایی شود.

همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که تقویت و استفاده از گروه‌ها و سازمان‌های زنان سهم بالایی از واریانس را به خود اختصاص می‌دهد؛ ازاینرو، پیشنهاد می‌شود با توجه به شناخت سازمان‌های زنان به عنوان مهم‌ترین راهکار خدمات‌رسانی از دیدگاه زنان روستایی از یکسو و قابلیت‌ها و اثربخشی روزافزون این سازمان‌ها در اقصی نقاط دنیا در عرصه‌های مختلف تولیدی و خدماتی‌رسانی از سوی دیگر، زمینه‌سازی و توجه جدی‌تر برای توسعه و استفاده مطلوب و کارآمد از این راهکار و بهره‌گیری از تجربیات کشورهای موفق در این زمینه توصیه می‌شود. پس پیشنهاد ما این است که دولت با همکاری وزارتخانه جهاد کشاورزی و تعاون به بهره‌گیری از تجارب و طرح‌های کشورهای موفق در این زمینه با توجه به شرایط خاص جوامع روستایی ایران اقدام نموده و به تاسیس و سازماندهی تشکلهای و سازمان‌های زنان روستایی همت گمارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بکارگیری فرایندها، رهیافت‌ها و روش‌های مشارکتی نیز عامل مهمی در راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی است پس پیشنهاد می‌شود که از طریق شیوه‌های مختلف زنان روستایی را نسبت به اهمیت و ضرورت استفاده از روش‌های مشارکتی آگاه ساخت تا آنان بتوانند از مزایای متعدد این مهم در فعالیت‌هایشان استفاده کرده و بدین ترتیب بر اثربخشی و توانمندی خود بیفزایند. همچنین با توجه به وارد شدن عامل برگزاری جلسات آموزشی و ترویجی سیار برای زنان در تحلیل عاملی و میزان واریانس که این عامل تبیین می‌نماید؛ "اولا"، بایستی شرایط محیطی مناسبی را برای برگزاری جلسات آموزشی مهیا نمود ثانياً، ترتیبی اتخاذ نمود که این این کلاس‌های آموزشی و ترویجی به جای اینکه در محلی از پیش تعیین شده باشد، به صورت سیال و در محل زندگی زنان روستایی تشکیل گردد.

منابع و مأخذ

- باتملی، ترور، (۱۳۸۲). مؤسسات کشاورز- محور برای توسعه کشاورزی. فعالیت تعاونی‌ها در امور اعتبار، عرضه و بازاریابی. مترجم علی کمالی و همکاران. سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۴۷.
- مافی، ف. و ف. موسوی. (۱۳۸۳). روزانه‌ای به تلاش سبز، گزارش فعالیت‌های امور زنان روستایی در سال- های ۸۱-۸۲. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر امور زنان روستایی.
- محمودی کرمجوان، ج. (۱۳۸۳). بررسی زمینه‌ها و راهبردهای خصوصی سازی ترویج کشاورزی در استان آذربایجان شرقی از دیدگاه کشاورزان و کارشناسان. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- مریدسادات، پ، ع، اسدی و ف، صادقی. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی طرح تسهیلگران روستایی در شهرستان دماوند. مجله علوم کشاورزی ایران. دوره ۲-۳۸، شماره ۲.

- میسراء، آ و ک، سوندرام.(۱۳۷۱). گزینه‌های توسعه روستایی. سلسله انتشارات روستا و توسعه. شماره ۷.

- Albert, H.(2006). Agricultural service systems, A framework for orientation. Services for rural development. Available at: <http://www2.gtz.de/document/bib/04-5313.pdf>.

- Alsop, R. and A. Norton (2005) „Power, Rights and Poverty Reduction“ in R. Alsop Power, Rights and Poverty: Concepts and Connections. Washington, DC: World Bank. as a Variable in International Development, <http://sitere.sources.worldbank.org> .

- Carney, D. (2002) Sustainable Livelihood Approaches: Progress and Possibilities for Change, London: DFID.

- Foresti, M. and E. Ludi (2007) „Human Rights and Livelihood Approaches for Poverty Reduction“, ODI Paper prepared for the SDC Poverty-Wellbeing Platform.

- Gupta, G, R and Malhotra, A.(2006). Empowering Women through Investments in Reproductive Health and Rights.

- Handy, F. and M, Kassamb.(2004). Women’s Empowerment in Rural India. Paper presented at the ISTR conference, Toronto Canada.<http://www.istr.org/conference/toronto/workingpapers/handy.femida.pdf>.

- Lai, K.c and V, Cistulli.(2005). Decentralization and Agriculture development. Decentralization of Agricultural Services. FAO, Rome, Italy. Available at: www.fao.org/Tc/easypol.

- Luttrell, C. and S, Quiroz.(2007). Linkages between human rights-based approaches and empowerment. The platform on livelihoods, equity and empowerment.

- Malhotra, A and S Shuler. 2005. “Women’s Empowerment as a Variable in International Development.” In Measuring Empowerment: Cross-Disciplinary Perspectives. 71–88. Narayan, D, ed. Washington DC: World Bank, Gender and Development Group.

- Namoro, S. , and R, Roshdi.(2008). Intrahousehold resource allocation in Egepy: Women Improvement and investment in Children. Middle East Development Journal, Demo Issue (2008) 31–47.

- Parveen, S. and I, U, Leonhauser.(2004). Empowerment of Rural Women in Bangladesh: A Household Level Analysis. Conference on Rural Poverty Reduction through Research for Development and Transformation. Deutscher Tropentag- Berlin, 5-7 October 2004.

- Rivera, W . M., Zijp, W., and Alex, G.(2000). Contacting for Extension. The World Bank, Rural Development Family. Agricultural knowledge and Information System(AKIS). Journal of Extension,32(2),22-24.

- Santra, S.K. and R, Kundu.(2001). Women’s Empowerment for Sustainable Agriculture Development. Manage Extension Research Review.

- Shivalinge, G, N.S., & Sarvanan, R.(2001). Attitudes and Preferences of Agricultural Scientists toward Privatization of Agricultural Extension services. National Institute of Agricultural Extension Management. Available at: www.manage.gov.in/pvtext/htm.

- Ugbomeh, M. M. George (2001) Women Empowerment in Agricultural Education, for Sustainable Rural Development, Oxford University Press and Community Development Journal , Vol. 36, No. 4, pp: 289-302.

Identification and analysis of the extension service impacts on social empowerment of rural/farmer women in Lenjan, Esfahan province

F. Karami, A. Karimi and M. Mokhtarnia

Abstract

Continued poverty and gender discrimination against women which are generated due to various historical and cultural obstacles and limitations in their socio-economic progression made development of diverse approaches and remedies towards their empowerment in the fields of development and gender. This study aims at identification of extension service impacts on social empowerment of rural women in Lenjan district, Esfahan province. The statistical population consists of female paddy farmers in the district (539) of whom, 87 women were selected based on Cockran formula. To increase measurement accuracy, number of selected women increased to 100, and finally 93 questionnaires were gathered. The instrument for data collection was a questionnaire whose validity was confirmed by a panel of agricultural faculty members at Tehran University. The reliability also was checked by Cronbach's alpha coefficient at $\alpha=0.75-0.95$. Collected data were analyzed by SPSS and the findings realized that a positive and significant relationship exists between appropriate extension service approaches and rural women empowerment. Also, factor analysis method was applied for identification of the key approaches in extension service rendering to rural farmer women. Variables are grouped under 3 categories i.e. supporting and tapping women organizations/groups, application of processes, approaches, and participatory methods, and holding training session and mobile extension services. They all estimated and represented for 55% of variances of optimal approaches in extension service rendering to rural women.

Key words : Rural women, Empowerment, Approches for service rendering, Agricultural extension